

دامپینگ بازار ایران می‌بایست با سه‌میه‌بندی واردات کنترل شود

اشاره:

کشورهای در حال توسعه همانند ایران که مسیر توسعه صنعتی را می‌پیمایند، همواره با تهدیدهایی از سوی رقبای جهانی مواجه می‌باشند، به گونه‌ای که گاه این تهدیدها تا لطمه جدی به صنایع نوپا در این کشورها پیش می‌رود.

آن گروه از کشورهای در حال توسعه که در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سپس در سازمان جهانی تجارت عضویت پیدا کرده‌اند، نیز با تهدیدهایی از قبیل دامپینگ و صدور کالاهای برخوردار از انواع حمایت‌ها و یارانه‌های دولتی از سوی شماری از صادرکنندگان کالا به این کشورها مواجه می‌شوند که گرچه اثبات این امر چندان آسان نیست، اما در توافقنامه گات ۱۹۹۴ تمهیداتی برای آنها اندیشیده شده که در بسیاری از مواقع صنایع داخلی آنها را از خطر ورشکستگی و تعطیل می‌رهاند.

تنظیم سیاست‌های بازرگانی خارجی با توجه به نیازمندی‌های اقتصاد ملی و توجه به رویکرد برون‌گرایی و توسعه صادرات و نیز بهره‌گیری مناسب و به‌هنگام از واردات اقلام مورد احتیاج در قالب نظام تعرفه‌ای از راهبردهایی است که می‌تواند کشورهای در حال توسعه را از خطرات جدی رقابت بین‌المللی برهاند.

در این مقاله به بررسی سیاست‌های وارداتی ایران و مزایا و مخاطرات ناشی از آن می‌پردازیم.

ارقام قابل توجهی را تشکیل داده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۲۵/۵ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۱ به ۲۳/۸ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۲ به ۱۹/۴ میلیارد دلار رسید. اما در سال تکمیلی اجرای برنامه اول (۱۳۷۳) ارزش تعدیل شده واردات گمرکی به ۱۱/۶ میلیارد دلار تنزل پیدا کرد. با وجود هزینه سنگین واردات که اغلب با بهره‌گیری از قراردادهای یوزانس، تأمین شده و انباشت تعهدات خارجی کشور (تا سطح ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳) را موجب شده

اولویت تأمین نیازهای دفاع مقدس و در نتیجه عقب‌افتادگی اقتصاد ملی، حقیقتی بود که وجود داشت و می‌بایست با برنامه‌ریزی‌های جامع و اصولی برطرف می‌گردید.

نیازهای توسعه اقتصادی و بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، سبب شد که دروازه‌های اقتصاد ایران به روی واردات گشوده شود. در سال‌های اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور، ارزش تعدیل شده واردات گمرکی بر اساس آمار بازرگانی کشور نسبت به دوران جنگ،

با خاتمه یافتن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به تدریج توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مسؤولان نظام به موضوع توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور جلب شد. نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای سال‌های ۷۲-۱۳۸۱ تنظیم و تصویب شد و از سال ۱۳۸۱ به مرحله اجرا درآمد.

خسارت‌های سنگین وارده از هشت سال درگیری نظامی و ویرانی‌های باقی مانده، فقدان توجه جدی به موضوع توسعه اقتصادی به لحاظ ضرورت و

بود، برنامه‌ریزی چندان دقیقی در این زمینه وجود نداشت و تهدیدهایی نظیر دامپینگ و صدور کالاهای برخوردار از یارانه‌های دولتی به بازار ایران از سوی دیگر کشورها به هیچ وجه مورد توجه نبود.

به عقیده کارشناسان، شرکت‌های خارجی عرضه کننده کالا به ایران در واقع با رقابت دشوار یا دیوارهای حمایتی جدی از سوی ایران روبه‌رو نبودند و در عمل نیازمند به اقداماتی نظیر دامپینگ (تبعیض قیمت در بازرگانی با خارج) نبودند. حجم کلان واردات، ایران را برای بسیاری از شرکت‌های خارجی بازاری مناسب و ارزشمند و به فرصتی گرانقدر تبدیل کرده بود.

با توجه به مشکلاتی که بر اثر انباشت تمهدهات خارجی برای ایران فراهم شده بود، در برنامه دوم توسعه اقتصادی، توجه به صرفه‌جویی و کاهش واردات جلب شد. ارزش واردات ایران در سال ۱۳۷۴ به ۱۲/۳ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۵ به ۱۵/۱ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۶ به ۱۴/۱ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۷ به ۱۳/۴ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۸ به ۱۳/۲ میلیارد دلار رسید.

در کاهش میانگین سالانه واردات ایران در برنامه دوم نسبت به برنامه اول دو موضوع دخالت مستقیم داشت. اول آنکه بخشی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در برنامه اول به ثمر رسیده و تولید داخلی را افزایش داد و دوم آنکه سیاست‌های صرفه‌جویی از سوی دولت برای کاهش هزینه‌های ارزی و جمع‌آوری منابعی برای بازپرداخت به‌موقع تمهدهات خارجی، تأثیر مستقیم داشت.

در این دوره زمانی، واردات شماری از کالاها با ممنوعیت یا محدودیت و یا تعرفه‌های سنگین (حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی) همراه شد. این امر موجبات رواج قاچاق کالا را فراهم ساخت، تا جایی که ارقامی بین سالانه ۲ تا ۴ میلیارد دلار برای واردات غیرقانونی کالا به ویژه کالاهای مصرفی از سوی منابع مختلف، مطرح شده است.

بخش قابل توجهی از اقلام مصرفی که به طرق غیرقانونی وارد کشور شده‌اند، از کالاهایی بوده‌اند که در داخل نیز مشابه آنها تولید می‌شده، لیکن به لحاظ کیفیت و قیمت قدرت رقابت با این گونه اقلام وارداتی را نداشته‌اند. بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که امیرنشین دبی یکی از شرکای تجاری عمده ایران در سال‌های اخیر بوده که حجم وسیعی از اقلام واردات غیرقانونی را تأمین و عرضه کرده است. فروش محصولات استوکی (ذخایر انباری) تولیدات شرق آسیا از سوی دبی به ایران، در واقع خسارات جبران‌ناپذیری به صنایع داخلی کشور وارد کرده است.

از سوی دیگر، گفته می‌شود که در حال حاضر نیز بخشی از ظرفیت‌های تولیدی ایجاد شده در ایران به لحاظ اتکای زیاد طرح‌های سرمایه‌گذاری به فروش محصول در داخل، بلااستفاده مانده است و قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی را ندارد.

قوانین برنامه‌های توسعه اول و دوم و حتی برنامه سوم توجه جدی به بخش واردات و برنامه‌ریزی اصولی آن بر مبنای حمایت منطقی از تولیدات داخلی نداشته است. این در حالی

است که بخشی از واردات ایران به ویژه کالاهای انباری شرق آسیا از طریق دبی، در واقع نوعی دامپینگ علیه صنایع داخلی کشور بوده است.

البته فقدان توان رقابت تولیدات کشور را فقط نمی‌توان منحصر به دامپینگ از سوی عرضه‌کنندگان خارجی دانست، زیرا که این امر بیشتر به کارایی اندک اقتصاد ملی، قیمت تمام شده در سطح بسیار، کیفیت نه‌چندان مطلوب و در سطح استانداردهای جهانی، عقب‌افتادگی فناوری تولید و... در این امر دخیل هستند که مجموعه آنها می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

در نخستین برنامه توسعه اقتصادی کشور، اهداف کیفی در خصوص واردات، تأمین به‌موقع نیازهای وارداتی کشور، اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای اهداف برنامه، اصلاح مقررات عمومی صادرات و واردات و بهبود روش‌های کنترل و اجرا و تلاش در جهت ایجاد توازن مطلوب‌تر در تراز بازرگانی خارجی کشور ذکر شده است.

در تدوین راهبردهای این برنامه نیز تصریح شده است «با توجه به ظرفیت‌های تولیدی بخش‌های مختلف کشور و نیازهای ساختار موجود اقتصاد جامعه طی دوران برنامه، استراتژی (راهبرد) تجاری جایگزینی واردات و تشویق صادرات باید با عنایت به برتری‌های نسبی کشور در هر زمینه، به صورت همزمان تعقیب گردد.»

رشد سریع واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بخش کشاورزی، تلاش برای تأمین نیاز

کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بخش صنایع و معادن، هماهنگ کردن سیاست‌های وارداتی با سیاست‌ها و الزامات بخش کشاورزی و جلوگیری از تأثیر منفی واردات بر تولید داخلی و تأمین کالاهای مصرفی حساس و ضروری در حداقل مورد نیاز جامعه، از راهبردهای اتخاذ شده در بخش واردات در برنامه اول بود.

البته سیاست‌های وارداتی که در همین راستا اتخاذ شد، شامل واردات انحصاری کالاهای دارای مصرف زیاد و راهبردی توسط نهادهای دولتی، تعیین ضوابط و شرایط مشارکت بخش غیردولتی در امر واردات کالا با توجه به عدم واگذاری حق انحصار به فرد یا اشخاص حقیقی، ورود کالا توسط بخش تعاونی و خصوصی با اولویت تأمین از طریق صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، ایجاد امکان ورود کالاها و اقلام موردنیاز واحدهای تولیدی توسط خودشان و ارایه برنامه سالانه بخش‌های تولیدی برای تنظیم مقررات واردات بودند.

همچنین تصریح گردید: «در بازرگانی خارجی برای حمایت از تولیدات داخلی به خصوص صنایع ماشین‌سازی و واسطه‌ای و برای تسریع در ایجاد یک ساخت صنعتی غیروابسته، ضمن جلوگیری تدریجی از ورود کالاهای صنعتی مصرفی به کشور همزمان با رشد صنایع مادر و بنیادی، لغو بخشودگی شامل کالاهای واسطه‌ای مربوط به کشاورزی و تکنولوژی‌های پیچیده که در افق برنامه اول قابل دسترسی نیستند، نخواهد بود. وضع سود بازرگانی و در صورت لزوم محدودیت‌های وارداتی به کالاهای

واسطه‌ای و سرمایه‌ای و توسعه صنایع واسطه‌ای و ماشین‌سازی مورد حمایت قرار خواهد گرفت.»

در بخش دیگری از سیاست‌های وارداتی برنامه اول توسعه آمده است: «افزایش حمایت از تولیدات داخلی به طوری که در زنجیره تولید کالا هر چه به سمت حلقه‌های نهایی (کالاهای مصرفی نهایی) نزدیک می‌شویم، میزان سود بازرگانی بیشتر شود.»

در برنامه دوم نیز کماکان سیاست محدودیت واردات، ایجاد برخی ممنوعیت‌ها برای واردات کالا (از جمله خودرو)، اخذ برخی مجوزها برای واردات، دریافت گواهی عدم ساخت داخل برای واردات شماری از اقلام کالایی و... همچنان در دستور کار بخش بازرگانی کشور بود. نتیجه سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد برنامه‌های اول و دوم در خصوص واردات در ارزیابی سند برنامه سوم (پیوست شماره ۲ جلد دوم) درخور توجه است.

در این سند تصریح شده است: بررسی‌های متعددی حکایت از آن دارند که در صورت ادامه روند موجود در بخش بازرگانی، هیچ یک از اهداف کشور در این بخش در زمینه توسعه صادرات غیرنفتی، کاهش تورم و کاهش وابستگی به واردات از خارج و ثبات ارزی تحقق نخواهد یافت.

پیش‌بینی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که با ادامه روند کنونی میزان واردات گندم از ۴۵۷۸ هزار تن در سال ۱۳۷۵ به ۸۰۸۱ هزار تن در سال ۱۳۸۵، برنج از ۹۶۵ به ۱۲۳۳ هزار تن، روغن نباتی از ۸۰۲ به ۱۰۸۷ هزار تن، گوشت از ۵۸ به ۶۴ هزار تن، قند و

شکر از ۶۵۹/۸ به ۱۱۱۳ هزار تن و چای از ۶۱ به ۱۰۰ هزار تن خواهد رسید.

در همین سند تصریح شده است که در صورت عدم عضویت در سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان جهانی تجارت (WTO) کشور ما در عرصه تجارت جهانی منزوی و از ترجیحات و تسهیلات ارایه شده توسط آنها محروم خواهد گردید.

در این سند آمده است: در صورت ادامه سیاست‌های گمرکی غیرهدفمند، گذشته از گسترش قاچاق، صنایع و تولیدات کشور نیز انگیزه لازم برای ارتقای کارایی و رقابت با تولیدات خارجی را نخواهند داشت و تولید برای بازار انحصاری داخلی، جایگزین نگاه به خارج و تولید کالاهای صادراتی خواهد گردید.

در همین حال گفته شده که مقررات و بخشنامه‌های مختلف که عمدتاً به لحاظ اهداف فردی سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی، تدوین می‌شوند، باعث فشار کاری و پیچیده‌تر شدن امور گمرکی به ویژه در مرحله صدور و ترخیص کالا شده است.

در قانون برنامه سوم، در ماده ۱۱۵ آمده است: «دولت موظف است برای رونق تجارت خارجی، موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیت‌های شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی اقدام کند.»

با این وصف، می‌توان گفت نگاه برنامه‌های توسعه‌ای کشور به واردات

چندان به نفع حمایت منطقی از تولیدات داخلی نمی‌باشد. کارشناسان عقیده دارند که حمایت منطقی از تولید داخلی، از طریق اعمال تعرفه‌های سنگین یا محدودیت‌های مقداری و یا ممنوعیت واردات تأمین نمی‌شود، زیرا این گونه اقدامات به ویژه منافع مصرف‌کنندگان را به خطر می‌اندازد.

آنها عقیده دارند که حمایت منطقی از تولید داخلی در یک دوره پنج‌ساله در بدو بهره‌برداری از واحدهای صنعتی می‌بایستی صورت پذیرد و این حمایت‌ها شامل ارایه تسهیلات کافی و ارزان قیمت بانکی، تسهیلات مناسب ارزی با نرخ‌های بهره بین‌المللی، رهنمودهای روشن برای طرح‌های سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا و دارای توجیه فنی - اقتصادی و مبتنی بر مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق، ارایه قوانین و مقررات مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی، کار، امور گمرکی و... ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری، رشد مهارت‌های مدیریتی، خصوصی‌سازی و آزادسازی و... می‌باشد. این گونه حمایت‌ها می‌تواند صنایع را به تولید کالاهای دارای کیفیت مناسب و استاندارد با قیمت قابل رقابت در عرصه‌های داخلی و خارجی رهنمون گردد.

به عبارت دیگر، کارشناسان عقیده دارند، آنچه که در اقتصاد ایران موجبات ارزانی اقلام وارداتی به نسبت تولید داخلی و با توجه به کیفیت آنها، سبب شده، دامپینگ یا رقابت مکارانه صادرکنندگان خارجی نیست، بلکه تولیدات داخلی تحت تأثیر عوامل گوناگون، قابلیت رقابت ندارند. این تولیدات از لحاظ کیفیت و قیمت با

تولیدات مشابه عرضه شده از سوی کشورهای خارجی به ویژه بیره‌ای شرق آسیا، توان رقابت ندارند و به همین جهت بخش اعظم صنایع کشور با رکود مواجه شده‌اند.

هرچند که سیاست‌های دو سال اخیر تا حدودی این رکود را تخفیف داده است، و آمارهای صادراتی نیز کماکان مؤید این نظر است، با این حال سهم عظیم واردات در مقابل صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد که قابلیت‌های رقابت صنایع کشور می‌بایست بیش از اینها ارتقا یابد. در سال گذشته ارزش واردات ایران به ۱۵/۲ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی آن به ۴/۱ میلیارد دلار رسید که تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد.

در قوانین گمرکی ایران، حمایت از صنایع داخلی در مقابل واردات اقلام مشابه با وضع حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی مجاز شناخته شده است. اما در پاره‌ای موارد این قوانین پاسخگو نیست و اقدامات شدیدتری را طلب می‌کند.

سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در بخش آهن و فولاد ایران در سال‌های اخیر که موجبات افزایش ظرفیت تولید در این بخش از حدود یک میلیون تن در سال ۱۳۶۸ به ۸ میلیون تن در سال جاری را فراهم آورد و در همین حال صدور بیش از یک میلیون و ۲۷۶/۳ هزار تن آهن‌آلات به ارزش بیش از ۲۳۹ میلیون دلار در سال گذشته را ممکن ساخت، اکنون با دشواری‌های جدی مواجه است.

به گفته وزیر صنایع و معادن، در واحدهای فولادسازی کشور امسال ۲ میلیون تن افزایش تولید مواد خام و

نهایی داریم که ظرفیت نهایی کشور به ۹/۵ میلیون تن در سال می‌رسد.

موضوع خسارت به صنایع فولاد کشور از ابتدای سال جاری شدت گرفت و علت اصلی آن واردات برخی اقلام فولادی از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق (CIS) به ویژه قزاقستان و اوکراین بوده است.

مدیرعامل مجتمع فولاد مبارکه در دیدار اعضای کمیسیون مجلس شورای اسلامی از این مجتمع در پایان فروردین ماه سال جاری از آنها درخواست کرد تا برای تعدیل عوارض مالیاتی از صنایع داخلی، تدابیری اتخاذ کنند.

محمود اسلامیان، مبلغ عوارض پرداخت شده از سوی مجتمع فولاد مبارکه در سال گذشته را بیش از ۶۲۰ میلیارد ریال ذکر کرد و افزود: پرداخت عوارض سنگین، فشار زیادی به این مجتمع وارد کرده و این در حالی است که تمام هزینه‌های داخلی و نیز هزینه طرح‌های توسعه این شرکت باید از محل منافع داخلی تأمین شود.

در همین حال مدیرکل امور صنایع و معادن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در اواخر خرداد ماه سال جاری اظهار داشت: ایران از لحاظ تولید ورق گرم خودکفا است، اما ورود بی‌رویه این محصول از کشورهای آسیای میانه، صنایع داخلی را با مشکل مواجه ساخته است.

سیامک صمیمی دهکردی گفت: اگر وزارت بازرگانی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نسبت به این موضوع رسیدگی عاجل نکنند،

صدمات جبران ناپذیری به بیکر صنعت فولاد وارد خواهد شد.

وی با اشاره به ماده ۴۶ قانون برنامه سوم اظهار داشت: وزارت بازرگانی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری یکدیگر و با ایجاد تعرفه‌ای مناسب با ورود محصولات فولادی کشورهای آسیای میانه که کیفیت بسیار پایینی دارند، مقابله کنند.

وی میزان سود بازرگانی واردات فولاد در اواخر خرداد ۸۰ را ۵ درصد ذکر کرد و تصریح نمود که تعرفه کنونی مناسب نیست و باید افزایش یابد تا مصرف‌کنندگان بتوانند از محصولات با کیفیت مطلوب استفاده کنند.

سرانجام در نهم تیرماه سال جاری، مدیرعامل شرکت ملی فولاد ایران اعلام کرد: طرح وضع موانع تعرفه‌ای با هدف مقابله با واردات بی‌رویه فولاد به کشور به زودی به هیأت دولت تقدیم می‌شود.

مصطفی مؤذن‌زاده ایجاد موانع تعرفه‌ای مناسب برای کنترل واردات بی‌رویه فولاد را حمایت از صنایع داخلی عنوان کرد.

مدیرکل صنایع الکتریکی و فلزی وزارت صنایع و معادن نیز در هجدهم تیرماه سال جاری در گفت‌وگو با خبرنگاران، با تشریح مشکلات واحدهای صنعتی، از نرخ پایین تعرفه واردات فولاد انتقاد کرد و گفت: نرخ مؤثر تعرفه واردات فولاد اکنون یک درصد است، اما پیشنهاد این وزارتخانه در بررسی تعیین تعرفه واقعی کالا،

افزایش تعرفه مؤثر برای فولاد تا ۱۰ درصد است.

مظفر اعوانی، با بیان این که در نظام تعرفه پیشنهادی این وزارتخانه، تمام کالاها مشمول تعرفه می‌شوند، افزود: حذف معافیت سود بازرگانی برای برخی افراد و دستگاه‌ها نیز مراحل کارشناسی را طی می‌کند.

در بیستم مرداد ماه سال جاری، مدیرعامل مجتمع فولاد مبارکه در گفت‌وگو با ایرنا تصریح کرد: واردات مازاد بر نیاز و بی‌رویه فولاد، تهدیدی جدی برای ۴۵۰ هزار فرصت شغلی در کشور است.

محمود اسلامیان گفت: واردات فولاد در یک سال گذشته موجب خروج بیش از یک میلیارد دلار از کشور شده است. وی تولید فولاد کشور را سالانه ۶/۵ میلیون تن ذکر کرد و افزود: این مقدار تولید نیاز کشور را به فولاد برطرف می‌کند.

در همین حال عبدالرحمن تاج‌الدین نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی در اواخر مردادماه گفت: مصوبه مجلس مبنی بر برقراری ۲۵۰ ریال تعرفه به ازای هر کیلوگرم محصولات فولادی وارداتی و نیز تأکید شورای اقتصاد، عملی نشده و سیل فولاد وارداتی بازار کشور را پر کرده است.

در همین زمان مدیرعامل شرکت ملی فولاد ایران اعلام کرد: نرخ تعرفه واردات فولاد از ۵ درصد فعلی (یک درصد مؤثر) به ۵۰ درصد (۱۰ درصد مؤثر) افزایش یافت و به زودی از سوی وزارت بازرگانی برای اجرا به گمرکات کشور ابلاغ می‌شود.

مصطفی مؤذن‌زاده در گفت‌وگو با ایرنا تصریح کرد: واردات فولاد از کشورهای قزاقستان، روسیه و اوکراین هم‌اکنون صنعت فولاد ایران را تهدید می‌کند، اما با تعیین تعرفه واقعی و منطقی، از تولید فولاد در کشور حمایت خواهد شد.

وی گفت: سال گذشته ۴ میلیون تن فولاد وارد ایران شد که بخش عمده آن، نامرغوب و باکیفیت نازل بود. نرخ پایین تعرفه و نزدیکی کشورهای قزاقستان، روسیه و اوکراین به ایران علت این امر بود.

وی نیاز کشور به واردات فولاد را سالانه ۱/۵ میلیون تن ذکر کرد و افزود: نرخ پایین تعرفه واردات فولاد باعث شده که در چهار ماه نخست سال جاری حدود ۱/۵ میلیون تن محصولات فولادی وارد کشور شود.

مؤذن‌زاده که در اوایل شهریورماه سال جاری واردات فولاد را نوعی عمل ضدتوسعه، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال توصیف کرد، در اول مهرماه امسال گفت: فولاد ایران توان رقابت با تولیدات تمام کشورهای دنیا را دارد. وی افزود: با توجه به افزایش تولید فولاد در جهان، بسیاری از کشورها برای واردات فولاد، نرخ تعرفه‌ها را افزایش دادند و محدودیت‌هایی ایجاد کردند.

تولید فولاد خام ایران در نیمه نخست سال جاری به ۳/۵ میلیون تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۹ درصد رشد داشت. ارزش صادرات آهن‌آلات و فولاد ایران در همین مدت به ۱۳۰ میلیون دلار و

مقدار آن به ۹۸۰ هزار تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل، به ترتیب ۳ و ۱/۵ درصد افزایش داشت.

رییس هیأت مدیره انجمن صنفی تولیدکنندگان فولاد ایران در اوایل آبان ماه سال جاری گفت: واردات بی‌رویه فولاد و وارد نشدن بخش خصوصی به عرصه تولید آن، صنعت فولاد ایران را در آستانه ورشکستگی قرار داده است.

تقی بهرامی گفت: اکنون ۵۶ سازمان از تولید فولاد، عوارض دریافت می‌کنند، در حالی که واردات آن به راحتی و بدون پرداخت عوارض صورت می‌گیرد و این مسأله باعث شده است تا تولید فولاد ایران رقابتی نباشد.

وی تصریح کرد: ایران با داشتن مزیت‌های نسبی مانند منابع انرژی، سنگ آهن، نیروی کار ارزان و...، توانایی تولید سالانه ۱۶ میلیون تن فولاد را دارد، اما اکنون با کمتر از نصف ظرفیت بالقوه فعالیت می‌کند. این در حالی است که به ازای ایجاد هر یک شغل مستقیم در صنعت فولاد، زمینه اشتغال ۱۷ نفر به طور غیرمستقیم فراهم می‌شود.

وی در اوایل آذرماه امسال تصریح کرد: دریافت مابه‌التفاوت برای واردات محصولات فولادی که به تازگی برای خرید از سه کشور آسیای میانه تعیین شده است، باید تمام کشورها را شامل شود.

سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از ۲۴ آبان سال جاری برای واردات انواع ورق فولادی از سه کشور قزاقستان، روسیه و اوکراین به

ازای هر کیلوگرم ورق گرم ۲۰۰ ریال، ورق سرد ۴۰۰ ریال و میلگرد ۱۳۰ ریال مابه‌التفاوت اخذ می‌کند.

بهرامی در گفت‌وگو با خبرنگاران تصریح کرد که واردکنندگان، محصولات یادشده را از سایر مرزهای رسمی به کشور وارد می‌کنند و به صنایع داخلی لطمه می‌زنند.

در یازدهم آذرماه سال جاری نیز وزیر صنایع و معادن در خصوص وضعیت فولاد کشور گفت: با وضع عوارض جدید برای واردات فولاد از کشورهای روسیه، اوکراین و قزاقستان، آنها نیز قیمت محصولات فولادی خود را به همین نسبت کاهش دادند که این مسأله به واحدهای فولادسازی ایران لطمه می‌زند.

مهندس اسحاق جهانگیری با اشاره به نزدیکی کشورهای یاد شده به ایران افزود: در صورتی که کشورهای یادشده بخواهند به تولیدات فولاد ایران لطمه وارد کنند، آخرین راه برای جلوگیری از واردات بی‌رویه فولاد به کشور، سهمیه‌بندی است که در صورت لزوم در کمیسیون ذیربط مطرح خواهد شد.

وی افزود: وقتی سهمیه برای واردات فولاد تعیین شود، از آنجا که مبدأ ورود هر گونه محصولات فولادی به کشور مشخص است، با نظارت بیشتر گمرکات، واردکنندگان قادر نخواهند بود از هر کجا که بخواهند این محصولات را وارد کنند.

در همین حال وزیر بازرگانی تصریح کرد که اگر تولیدکنندگان فولاد در کشورهای همسایه همچنان به روش

خود در کم کردن قیمت فولاد وارداتی به ایران ادامه دهند، حتماً برای آنها سهمیه در نظر گرفته خواهد شد.

وزارت بازرگانی از ابتدای سال جاری تاکنون، موضوع واردات فولاد را دنبال می‌کند. این وزارتخانه با عنایت به مقوله آزادسازی واردات و تلاش برای گسترش صادرات غیرنفتی، سعی کرده است که مداخله کمتری در بازار به عمل آورد. با این حال، رشد واردات محصولات فولادی و خسارات وارده به صنعت فولاد کشور موجب شد که این وزارتخانه ابتدا موضوع اخذ مابه‌التفاوت از واردات را دنبال کند و در همین راستا سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان میزان مابه‌التفاوت را در آبان ماه گذشته اعلام کرد.

با این حال، وزیر بازرگانی تصریح کرد که چنانچه کشورهای همسایه به روش خود در کم کردن قیمت فولاد وارداتی به ایران ادامه دهند، حتماً برای آنها سهمیه در نظر گرفته خواهد شد.

آنچه مسلم است، وزارت بازرگانی به منظور حمایت از صنایع داخلی فولاد، در نهایت به بسته‌بندی واردات فولاد روی خواهد آورد. اما تاکنون در این زمینه اظهارنظر رسمی از سوی این وزارتخانه منتشر نشده است.

با توجه به آنچه که در خصوص واردات فولاد و ضربات وارده از آن بر پیکر صنایع فولاد کشور تصریح شد، به سهولت می‌توان گفت که کشورهای اوکراین، قزاقستان و روسیه در خصوص تجارت فولاد با ایران، به دامپینگ روی آورده‌اند و این امر با

توجه به چند مرحله کاهش قیمت از سوی صادرکنندگان فولاد در این کشورها قابل اثبات است.

اما ایران عضو گات یا سازمان جهانی تجارت نیست که عوارض ضد دامپینگ یا جبرانی علیه آنها وضع کند. با این حال با تمسک به مقررات داخلی، ایران می‌تواند سهمیه‌بندی واردات فولاد را اعمال کند تا میزان فولاد وارداتی به کشور از ۱/۵ میلیون تن در سال تجاوز نکند.

از آنجا که تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی اعمال شده از سوی ایران با واکنش کاهش قیمت از سوی سه کشور یاد شده مواجه شده است، ایجاد سیستم سهمیه‌بندی الزامی است.

با این حال نباید تصور شود که توجه به ارتقای کارایی صنایع داخلی تحت تأثیر دیوارهای بلند حمایتی به فراموشی سپرده شود، بلکه با انجام اصلاحات ساختاری در بعد اقتصاد کلان و نیز در سطح واحدهای صنعتی، ارتقای توان رقابت برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی الزامی است.

در همین حال موضوع خسارت به صنایع فولاد، فقط مختص ایران نبوده، بلکه برخی کشورها نیز در سال جاری با آن مواجه هستند.

افزایش تولید جهانی فولاد و رکود نسبی یا افت رشد اقتصاد جهانی و کاهش تقاضا برای فولاد از عوامل مهمی هستند که بر بازار فولاد سایه افکنده‌اند.

درخور توجه است که شرکت «الگوما» (سومین شرکت معتبر فولادسازی کانادا) در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری خواستار حمایت در چارچوب قانون ورشکستگی با هدف کاستن از بدهی خود شد. این شرکت مهمترین عامل وضعیت ورشکسته شدن خود را انباشت محصولات ارزان قیمت سایر کشورها در بازار کانادا ذکر کرد.

در همین زمان، دولت کانادا تعرفه واردات فولاد را افزایش داد. بر این اساس واردات ورقه‌ها و لوله‌های فولادی از چند کشور بین ۵ تا ۹۶ درصد افزایش یافت.

دولت کانادا تأیید کرد که فولاد وارداتی از برخی کشورها ۳۶ درصد پایین‌تر از نرخ معمول بوده است.

هفته‌نامه «اکونومیست» در اواسط تیرماه سال جاری نوشت: در شرایط حاضر قیمت فولاد به پایین‌ترین سطح در ۲۰ سال اخیر رسیده و به همین جهت فشارهای مالی بر صنایع فولاد آمریکا زیاد شده است.

این هفته‌نامه با تشریح وضعیت بحرانی صنایع فولاد آمریکا نوشت: مشکل این صنایع از آنجا ناشی می‌شود که کارایی لازم را ندارند و پس از زاپسن از گران‌ترین هزینه تولید برخوردار هستند. در سه سال و نیم گذشته ۱۸ شرکت فعال در صنعت فولاد آمریکا خود را ورشکسته اعلام کرده‌اند و این روند همچنان ادامه خواهد یافت.

اما دولت آمریکا به احتمال زیاد برای حمایت از صنایع فولاد، اقدام به

محدودیت واردات و افزایش عوارض گمرکی می‌کند که این اقدام بر تمام بازارهای محلی فولاد در جهان تأثیر خواهد گذارد.

این هفته‌نامه افزود: صنایع فولاد اروپا که سالانه ۵ میلیون تن فولاد به آمریکا صادر می‌کنند، از این بابت ضربه خواهند دید و چون برای تولیدات خود باید بازارهای دیگر بیابند، آرامش این بازارها از جمله بازار آسیا را به هم خواهند زد. در حال حاضر حدود ۳۰ درصد بازار فسولاد آمریکا از واردات تغذیه می‌شود.

آنچه که در چند ماه اخیر در بازار فولاد ایران رخ داده، دامپینگ بود. چنانچه ایران به سازمان جهانی تجارت پیوندد، می‌تواند در این گونه موارد به اعمال تعرفه‌های تنبیهی و مقررات ضد دامپینگ متوسل شود.

باید توجه داشت که وضعیتی که برای صنعت فولاد به چشم می‌خورد، کمایش در صنایع دیگر نیز قابل مشاهده است و سیاست‌های تجارت خارجی ایران تاکنون نتوانسته‌اند کارایی لازم را داشته باشند و این در حالی است که در بعد داخلی نیز اصلاحات موردنیاز برای بهبود و ارتقای توان رقابت صنایع کشور با کندی پیش می‌رود.

